

NO GSPH

NO GSPH

NO GSPH
NO GSPH
NO GSPH
NO GSPH
NO GSPH
NO GSPH

خوشنویسی

خوشنویسی یا خطاطی به معنی زیبانویسی یا نوشتن همراه با خلق زیبایی است و فردی که این فرایند توسط او انجام می‌گیرد خوش نویس نام دارد .به‌خصوص زمانی که خوش نویسی حرفه ی شخص باشد|| گاهی درک خوشنویسی به عنوان یک هنر مشکل است|| به نظر می‌رسد برای درک و لذت بردن از تجربه بصری خوشنویسی باید بدانیم خوشنویس افزون بر نگارش یک متن سعی داشته اثری هنری با ارزش‌های زیبایی شناختی خلق کند||| از این رو خوشنویسی با نگارش سادهٔ مطالب و حنا طراحی حروف و صفحه‌آرایی متفاوت است|| همچنین از آنجایی که این هنر جنبه‌هایی از سنت را در دل خود دارد باید آن را تا حدی از تابیوگرافی که مبتنی بر ارزش‌های گرافیکی مدرن و کارهای چاپی است متمایز کرد|| خوشنویسی تقریباً در تمام فرهنگ‌ها به چشم می‌خورد اما در مشرق زمین و به‌ویژه در سرزمین‌های اسلامی و ایران در قله هنرهای بصری واقع است|| خوشنویسی اسلامی و بیش از آن خوشنویسی ایرانی تعادلی است حیرت‌انگیز میان تمامی اجزا و عناصر تشکیل دهندهٔ آن|| تعادل میان مفید و مورد مصرف بودن از یک سو و پویایی و تغییر شکل یابندگی آن از سوی دیگر تعادل میان قالب و محتوا که با آراستگی و ملایمت نام و تمام می‌تواند شکل مناسب را برای معانی مختلف فراهم آورد|| اگر در نظر داشته باشیم که خوشنویسی اسلامی و ایرانی براساس قالب‌ها و قواعد و نظام‌های بسیار مشخصی شکل می‌گیرد و هر یک از حروف قلم‌های مختلف از نظام شکلی خاص و تا حدود زیادی غیرقابل تغییر برخوردارند|| آنگاه درمی‌یابیم که ایجاد قلم‌های تازه و یا شیوه‌های شخصی خوشنویسان بر مبنای چه ابداع و رعایت حیرت‌انگیزی پدیدار می‌شود|| در خوشنویسی اندازه هر حرف و نسبت آن با سایر حروف با دقت بسیار بالایی معین شده‌است و هر حرف به صورت یک مدلول|| ثابت درمی‌آید که تخطی از آن به‌منزله نادیده گرفتن توافقی چندصدساله‌است که همیشه میان خوشنویس و مخاطب برقرار بوده و با رضایت طرفین حاصل می‌آمده‌است|| حتی ترتیب شکل کلمات نیز براساس مبانی مشخصی تعیین می‌شده که در ||رسم‌الخط||ها و ||آداب‌المشق||ها از جانب اساتید بزرگ تنظیم و ارانه شده‌است|| قرارگیری کلمات نیز یعنی ||کرسی|| هر سطر هر چند نه به صورت کاملاً پیش‌بینی و تکلیف شده که ناممکن بوده‌است اما به‌شکل ||سلیقه مطلوب|| زمینه زیبایی شناختی پیشنهادی خاص خود را دارا بوده‌است||

خوشنویسی اسلامی خوشنویسی همواره برای مسلمانان اهمیتی خاص داشته‌است|| زیرا در اصل آن را هنر تجسم کلام وحی می‌دانسته‌اند|| آنان خط زیبا را نه فقط در استنساخ قرآن بلکه در اغلب هنرها به‌کار می‌بردند||| خوشنویسی یا خطاطی در کلیه کشورهای اسلامی همواره به عنوان والاترین هنر مورد توجه بوده است|| مردمان این سرزمین‌ها به‌ویژه ایرانیان در اوج قدرت و نهایت ظرافت در این هنر تجلی یافت و خوشنویسی به مانند محوری در میان سایر هنرهای بصری ایفای نقش کرده‌است|| خوشنویسی از قرون اولیه اسلامی تا کنون در کلیه کشورهای اسلامی و مناطق تحت نفوذ مسلمانان با حساسیت و قدرت تمام در اوج جریانات هنری بوده‌است|| قدیمی‌ترین نسخه قرآن به خط کوفی است و به علی بن ابی‌طالب منسوب است|| پس از قرن پنجم هجری خط کوفی تقریباً جای خود را به خط نسخ داد که حروف آن بر خلاف حروف زاویه‌دار خط کوفی متحنی و قوس‌دار است||۶|| در اوایل قرن چهارم سال ۳۱۰ هجری قمری ابن مقله بیضاوی شیرازی خطوطی را بوجود آورد که به خطوط ششگانه یا اقلام سته معروف شدند که عبارتند از||| محقق ریحان ثلث نسخ رقا و توقع|| که وجه تمایز آنها اختلاف در شکل حروف و کلمات و نسبت سطح و دور در هر کدام می‌باشد|| همچنین او برای این خطوط قواعدی وضع کرد که به اصول دوازده‌گانه خوشنویسی معروفند و عبارتند از|| ترکیب کرسی نسبت ضعف قوت سطح دور صعود مجازی نزول مجازی اصول صفا و شان||۷|| یک قرن بعد از ابن مقله ابن بواب برای خط نسخ قواعدی تازه ایجاد کرد و این خط را کامل نمود در قرن هفتم جمال الدین یاقوت مستعصمی به این خط جان تازه‌ای بخشید و قرآن کریم را برای چندین بار کتابت نمود||۸||

خوشنویسی ایرانی درحالی که عمدهٔ تبدیل نگارش معمولی کلمات به خوشنویسی هنرمندانه به عهده ایرانیان بوده‌است رفته رفته ایرانیان سبک و شیوه‌هایی مختص به خود را در خوشنویسی ابداع کردند|| هرچند این شیوه‌ها و قلم‌های ابداعی در سایر کشورهای اسلامی هم طرفدارانی دارد اما بیشتر مربوط به ایران و کشورهای تحت نفوذ آن همچون کشورهای آسیای میانه افغانستان پاکستان و هند می‌باشد|| در این منطقه نیز خوشنویسی همواره به عنوان والاترین شکل هنرهای بصری مورد توجه بوده و دارای لطافتی خاصی است|| در ایران پس از فتح اسلام خطاطی به شیوهٔ نسخ وجود داشت|| در زمان حکومت ایلخانیان اوراق مذهب کتاب‌ها نخستین بار با نقشی‌های تزیینی زینت یافت|| در زمان حکومت تیموریان در ایران خط و خوشنویسی به اوج کمال خود رسید|| میرعلی تبریزی با ترکیب خط نسخ و تعلیق خط نستعلیق را بنیان نهاد|| مشهورترین خطاط قرآن در این دوره بایسنقر میرزا بود||۹|| آنچه که به عنوان شیوه‌ها یا قلم‌های خوشنویسی ایرانی شناخته می‌شود بیشتر برای نوشتن متون غیر مذهبی نظیر دیوان اشعار قطعات ظریف هنری و یا برای مراسلات و مکاتبات اداری ابداع شده و به‌کار رفته‌است|| این در حالی است که خط نزد اعراب و ترکان عثمانی بیشتر جنبه دینی و قدسی داشته‌است|| هرچند آنان نیز برای امور منشی‌گری و غیر مذهبی قلم‌هایی را بیشتر به‌کار می‌بردند اما اوج هنرنمایی آنان بر خلاف خوشنویسان ایرانی در خط ثلث و نسخ و کتابت قرآن و احادیث قابل رویت است|| در ایران نیز برای امور مذهبی مانند کتابت قرآن یا احادیث و روایات و همچنین کتیبه‌نویسی مساجد و مدارس مذهبی بیشتر از خطوط ثلث و نسخ بهره می‌گرفتند که نزد اعراب رواج بیشتری دارد|| هرچند ایرانیان در این قلم‌ها نیز شیوه‌هایی مجزا و مختص به خود آفریده‌اند|| خط تعلیق را می‌توان نخستین خط ایرانی دانست|| خط تعلیق که ترسل نیز نامیده می‌شد از اوایل قرن هفتم یا به عرصه گذاشت و حدود یکصد سال دوام داشت تعلیق از ترکیب خطوط نسخ و رقا و به وجود آمد و کسی که این خط را قانونمند کرد خواجه تاج سلمانی بود|| که بعدها به وسیله خواجه عبدالحی منشی استر ابادی بدان قواعد و اصول بیشتری بخشیده شد||۱۰|| پس از خط تعلیق که نخستین خط شکل گرفته ایرانی بود|| در قرن هشتم میرعلی تبریزی ||۸۵۰ هجری قمری|| از ترکیب و ادغام دو خط نسخ و تعلیق خطی بنام نسخ‌تعلیق بوجود آورد که نام آن در اثر کثر استعمال به نستعلیق تغییر پیدا کرد|| این خط بسیار مورد اقبال واقع شد و موجب تحول عظیمی در هنر خوشنویسی گردید||۱۱|| و بعدها در دوران شاه عباس صفوی به دست میرعماد حسنی به اوج زیبایی و کمال رسید|| خط نستعلیق علاوه بر خوشنویسانی که در حیطه ایران کنونی می‌زیستند|| در خراسان بزرگ و کشورهای آسیای میانه افغانستان و به‌ویژه خوشنویسان دربار گورکانیان در هندوستان ||که تعلق خاطر ویژه‌ای به فرهنگ ایرانی داشتند|| رشد و پیشرفت قابل توجهی کرد|| بطور کلی قرنهای نهم تا یازدهم هجری را می‌توان قرن‌های درخشان در هنر خوشنویسی در ایران دانست|| در اواسط قرن یازدهم سومین خط خالص ایرانی یعنی شکسته نستعلیق به دست مرتضی قلی خان شاملو حاکم هرات با تغییر دادن خط نستعلیق ابداع شد|| علت پیدایش آن را می‌توان به سبب نیاز به تندنویسی و راحت‌نویسی در امور منشی‌گری و بیش از آن ذوق و خلاقیت ایرانی دانست|| همانطوری که بعد از پیدایش خط تعلیق ایرانیان به‌خاطر سرعت در کتابت شکسته تعلیق آن‌را نیز بوجود آوردند||۱۲|| درویش عبدالمجید طالقانی این خط را به کمال رساند|| در دوران قاجار خط کاربرد اصلی خود یعنی کتابت را از دست داد|| از یک سو با تاکید و توسعه سیاه‌مشق‌نویسی به سمت هنر ناب رفت و از دیگر سو با پدید آمدن روزنامه‌ها و چاپ سنگی خود را به هنرهای کاربردی نزدیک شد|| در دوران پهلوی روند نیازهای مدرن تجاری و تبلیغی خط را از کنج کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی به بستر اجتماع گشاند و جریانات هنری مدرنی شیوه‌هایی چون نقاشیخط را به‌وجود آوردند که گماکان مورد توجه محافل هنری جهان است|| در سالهای پس از انقلاب اسلامی خوشنویسی با اقبال عمومی روبرو شد و انجمن خوشنویسان ایران که در سال ۱۳۲۹ تشکیل شده بود نقش بارزی در رشد و توسعه کمی و کیفی این هنر به عهده گرفت|| همچنین خطی به نام معلی در سال‌های اخیر با تاثیر از خطوط اسلامی ایرانی ثلث و شکسته نستعلیق توسط آقای حمید عجمی گردید که تاحدی مورد استقبال قرار گرفت|| آخرین دستاورد خوشنویسی ایران را می توان به ابداعات خوشنویسی سبحان مهرداد محمدپور اشاره کرد خط سبحان یک خط قانونمند همانند نسخ و ثلث بوده و قابلیت کتابت و کتیبه نویسی فارسی و عربی را دارا می باشد و آن را در دسته ی خطوط کامل همانند خطوط شش گانه قرار داده اند||

فن الخط فن الخط وهو نوع من الفنون البصرية وهو غالبا ما يطلق على فن الكتابة [١٩٩٦] [١٧] والتعريف المعاصر للممارسة فن الخط العربي هو [فن إعطاء شكل للعلامات بطريقة معبرة ومتناغمة وماهرة] [١٩٩٦] [١١١١] قصة الكتابة هي واحدة من التطور الجمالي متحدد في إطار المهارات التقنية وسرعات الانتقال وتحديد المواد الزمان والمكان من الشخص [١٩٦٨] [٤٤١] ويوصف نمط معين من الكتابة بأنه نصي أو نسخ أبجدي [فريزر و ٢٠٠٦] جونسون [١٩٠٩] بلايت [٦] يتراوح الخط الحديث من كتابات وتصاميم خط اليد الوظيفي إلى القطع الفنية حيث التعبير المجرد للعلامات المكتوبة بخط اليد التي قد تحل أو لا تحل محل قراءة الحروف [١٩٩٦] يختلف الخط العربي الكلاسيكي عن الطباعة وعن خط اليد الغير تقليدي وإن كان الخطاط قد يبتكر كل هؤلاء وهي تاريخيا حروف منظمة ومع ذلك سلسلة وتلقائية ومرتبلة في لحظة الكتابة [بوت ٢٠٠٦ و ٢٠٠٧] ويستمر الخط العربي في الأزدهار في أشكال دعوات الزواج والأحداث وتصميم بنط الطباعة وتصميم الشعار باستخدام خط النسخ والفن الديني والإعلانات التصميم الجرافيكي [وفي الخط والنقش على القطع الحجرية وثيقة المراء] يستخدم أيضا من أجل الأثاث والصور المتحركة للسينما والتلفزيون والشهادة في القضايا وشهادات الميلاد والوفاة والخرايط وغيرها من الأعمال التي تنطوي على الكتابة

الأدوات الأداة الرئيسية في فن الخط هو القلم مشطوف الرأس والمدبب و الريشة وهناك المحيرة عبارة عن حبر زيتي القوام يستخدم في الكتابة وكذلك من ادوات الخط الورق عالي الجودة

الفنون البصرية الفنون البصرية هي الأشكال الفنية التي تركز على إنشاء الأعمال التي هي في المقام الأول مرئية في الطبيعة مثل الفنون التشكيلية التقليدية [الخزف الرسم الفني النحت العمارة والطباعة] الفنون البصرية الحديثة [التصوير الفوتوغرافي الفيديو وصناعة الأفلام] والتصميم والحرف اليدوية [العديد من التخصصات الفنية] الفنون المسرحية فنون اللغة فنون النسيج وفن الطهي [تنطوي على جوانب من الفنون البصرية بالإضافة إلى أنواع أخرى وبالتالي فإن هذه التعريفات ليست دقيقة] والمفهوم المتغير [الاستخدام الحالي لمصطلح] الفنون البصرية [يتضمن الفنون الجميلة بالإضافة إلى الحرف اليدوية ولكن هذا ليس هو الحال دائما] قبل حركة الفنون والحرف اليدوية في بريطانيا وأماكن أخرى في مطلع القرن [الفن التشكيلي] يعود على الشخص الذي يعمل في مجال للفنون الجميلة [مثل الرسم النحت أو الطباعة] وليس مجال الاشغال اليدوية والحرفية أو من يطبق ضوابط الفن [وأكد التمييز من قبل فنانين من مجال الفنون والحرف اليدوية الذين يقدرون أشكال الفن العامية بقدر الأشكال الامة] الحركة تتناقض مع المتحررون الذين سموا لحجب الفنون العالية عن الجماهير من خلال ابقائها مقصورة على فئة معينة من الناس [بحاجة لمصدر] مدرسة الفن تفرق بين الفنون الجميلة والحرف اليدوية في مثل هذه الطريقة التي لا يمكن اعتبار الحرفيين ممارسون للفن

فن الكمبيوتر الفنانين البصريين لم يعد يقتصر عمله على وسائل الفن التقليدي [أجهزة الكمبيوتر قد تؤدي إلى تعزيز الفنون البصرية من سهولة [الاداء] [أو قالب] للتحرير لاستكشاف مكونات متعددة للطباعة [بما في ذلك الطباعة ثلاثية الابعاد] فن الكمبيوتر هو أي فن يكون للكمبيوتر دورا من إنتاج أو عرض العمل الفني [هذا الفن يمكن أن يكون صورة صوت صور متحركة فيديو أقراص مضغوطة دي في دي لعبة فيديو موقع خوارزمية أداء أو تثبيت معرض رسوم] العديد من التخصصات التقليدية الآن تقوم بدمج التقنيات الرقمية ونتيجة لذلك الخطوط بين العمل التقليدي للفن وعمل الوسائل الجديدة التي تم إنشاؤها باستخدام أجهزة الكمبيوتر كانت غير واضحة [على سبيل المثال الفنان قد يجمع بين الرسم التقليدي مع الفن الحسائي وغيرها من التقنيات الرقمية] نتيجة لذلك تحديد فن الكمبيوتر بواسطة منتجها النهائي يمكن أن يكون صعبا [ومع ذلك هذا النوع من الفن قد بدأ بالظهور في المتاحف والمعارض الفنية على الرغم من أنه لم تثبت شرعيتها بعد بوصفها شكلا قائما بذاته وهذه التكنولوجيا على نطاق واسع في الفن المعاصر تعتبر كأداة أكثر من أنها شكلا من أشكال الفن كما هو الحال مع التصوير الزيتي [استخدام الكمبيوتر حجب الفرق بين الرسامون المصورون محررين الصور النماذج ثلاثية الابعاد وفنانون الحرف اليدوية] برامج التحرير والتقديم المتطورة أدت إلى تعدد مهارات مطوري الصور [قد يصبح المصورين فنانين رقميين قد يصبح الرسامين صانعو رسوم متحركة] الحرف اليدوية قد تصبح بمساعدة الحاسوب أو استخدام الكمبيوتر لتوليد الصور كقالب [استخدام مقاطع الكمبيوتر الفنية جعلت التمييز الواضح بين الفنون البصرية ومخطط الصفحة أقل وضوحا بفضل سهولة الوصول وتحرير المقاطع الفنية في عملية ترقيم صفحات الوثيقة وخاصة للمراقبين الذين يفتقرون للبراعة

آرت آرت ايسے کم یا کماں نوں آکھیا جاندا اے جیدے وچ چیزاں نوں نشاناں نال اینج دسیا جاندا اے جے اوہ سوہنیاں لگیں اارت دی بنی شی کوئی کھائی دسدی اے یا صرف کوئی سوہنا سچ یا مسوس ہوں والا جذبہ انسانیکولپیڈیا بریٹانیکا آرت نوں اینج دسدا اے [اوہ سوہنیاں شیواں محول یا تجربیاں جنہاں نوں دوجیاں نوں وی دسیا جا سکے تے جنہاں دے بنان وچ سوچ تے گر نوں ورتیا گیا ہوئے] ایہجے آرت وچ مورثاں [بتی بنانا] تے فونوگرافی آندے نیں آرکینیکچر نوں وی ویکھے جان والے آرت وچ گنیا جاندا اے پر اوہدے وچ اوس شے تے کم لینا اوہدے بنان دا مذہ ہوندا اے موسیقی تمہیر فلم نوں آرت نال رلیا جاسکدا اے آرت فلاسفی دی اک ونڈ اے جیدے وچ ایدی اصل ایذا بنانا تے ایہنوں دسنا آندے نیں آرت اک ول یا راہ اے انسانی سوچ یا جذبے نوں دسں یا کسے بور تک اپڑاں لئی ارسطو دی فلاسفی وچ آرت اک ودیا تے آئیڈیل نقل [اے لیو ٹالسٹائی ایہنوں اک بندے نوں دوجے بندے تک کل اپڑاں دا پنھا ول کیندا اے مارٹن ہائیڈگر دی اکھ وچ آرت اک ایسا ول اے جیدے راہیں کوئی سنگت اپنا آپ دسدی اے

تريخ وينس ولندورف آرت دے سب توں پرانے نمونے پتھر ويلے توں لبدے نیں وينس ولندورف [١١١١١١] توں [١١١١١١] م پ دی اک زبانی دی پتھر دی بنی مورتی اے جیہڑی آسٹریا توں لبی سی لاسکو فرانس وچ زمين دے اندر غاران وچوں [١١١١١١] ورے پراڻیاں جانورن تے انساناں دیاں مورتاں کنداں تے بنایاں ملیاں نیں ایہناں وچ انسان شکار کردا دسیا گیا اے وشکارلہ پتھر ويلہ [١١١١١] م پ لنگان تے نیولتھم ويلے [١١١١١] م پ وچ انسان نے وائی بیجی تے اک تھان تے تک کے رہنا سکھیا ربتلاں گنجلیاں ہویاں تے مذہب نے وی ماننا پائی تے انسان نے اپنے فیدے لئی ہتھ نال کئی چیزاں بنائیاں سکھیاں تے فیر کانسے ويلے [١١١١١] م پ وچ پہلیاں انسانی ربتلاں یونگریاں پرانے مصر پرانے عراق فارس بڑیہ ربتل چین پرانے یوناں روم تے انکا تے مایا دیاں ربتلاں نے اپنیاں آرت دیاں ربتاں اپنیاں ضرورتاں تے اپنے کول ہوں والیاں شیواں توں بنایاں آرت اودوں لکھائی دے بنی نال نردا اے لکھائی اپنے مذہ ويلے توں تے ہپار دے کم نوں سوکھا تے لین دین نوں یاد رکھن لئی بنی لکھائی پہلے مورتاں نال تے فیر وازاں نوں نشان دے کے تے اوہناں نوں جوڑ کے بنائی جاندی اے

پراڻا عراق پرانے عراق دا آرت دجلہ تے فرات دے دریاواں دے وشکار [ہزار ورے پہلے توں اوتھے یونگرن والیاں اشوری سمیری کالدی ربتلاں وچ بنیا ایہنوں دے آرکینیکچر وچ ات تے ذات دا ورتن سی تے ایدے نال زکورت مندر تے وکھریاں پدھراں والے برم بنائے گئے محلان وچ وکھریاں پدھراں تے سوہنے رکھ لائے گئے جیہڑے پرانی دنیا دیاں [نوکیلیاں شیواں وچوں سن بتی بنان دا ول لکڑ نوں چھل کے تے نقشی دیکی پتھر نال بنیا تے ایہناں نال مذہبی شکاری تے فوجی وکھالے انساناں تے جانورن نال بنائے جاندے سن سمیری ويلے وچ

نکیاں بتیاں جنان دے کبارے تکھے رنگلے پتھر دیاں گنجے سرتے چھاتیاں تے ہتھ سس اکادی ویلے دیاں بتیاں دے سر دے وال لمے تے دازیاں سس جیویں نارام سسں عموری ویلے دیاں بتیاں نوں لاگاش گڈیا وچ سمجیا جاسکدا اے جیدے چ گڈیا نے چادر سر تے نویی تے ہتھ چھائی تے رکھے نیں اشتر بوا جیہڑا بابل وچ ۱۱۱۱ م پ وچ بنایا گیا سی بابل دے ارکینیکچر آرٹ دی وڈی نشانی اے تے ایدا کج حصہ پرگاموں میوزیم برلن وچ ہے گیونل شیرنی ۱۱۱۱۱ ورے پرانی لائم پتھر دی بنی اک مورتی اے عراق وچ ایہ اوڈوں بنی جدوں ہسپہ تے لکھی دا ول بنے گئے دکھنی عراق وچ ارک وچ گول پیپ ورگیاں مہراں تے بنیاں مورتاں کھائی سناندا اک نویکلا ول سی ایہ مہراں پتھر مٹی یا کسے بور شے دیاں وی بنیا ہوسکدیاں سس رات دی رانی عراق چوں لہی کوئی ۱۱۱۱۱ ورے پرانی پتھر تے بنی عورت دیوی دی بتی اے جیدے پیر پنچھی ورگے دوالے پر سجے کھسے شیر تے الو نیں گڈیا دی بتی ۱۱۱۱۱ م پ ورے پرانی اے ار دا سنینڈرڈ کھڑی بکری تانبہ بلد تے گدھ دی یادگار پرانے عراق دے آرٹ دیاں منیاں پرمینیاں نشانیاں نیں لکھائی دا ول بنن نال پرانے عراقی لکھتاں وچ وی اپنے آپ نوں دسدے نیں گلگامش ۱۱۱۱۱ صدی م پ وچ لکھی گئی ایدے وچ سمیری تے اکادی دیوتاواں دیاں کہانیاں نیں انزابس اکادی ویلے دی اک لکھت اے جیدے وچ بز آن دی کہانی دسی گئی اے بابل دیاں لکھتاں وچ سب توں مٹی پرمنی لکھت انوما الیش اے جیدے وچ ایس کائنات دے بنی دی کہانی دتی گئی اے

پرانا مصر ملکہ نیفریتیٹی پرانا مصری آرٹ ۱۱۱۱۱ م پ توں لے کے ۱۱۱۱۱ تک دے ویلے تک پھیلی ہوئی مصری ریتل دی نشانی اے تے ایدے وچ مورتاں بتیاں آرکینیکچر تے رلدیاں چیزاں آندیان نیں ایہ مصری آرٹ پرانیاں قبران تے یادگاری تھانواں توں لہیا تے اینج ایدھے وچ مرن مگروں جیون تے پرانی جانکاری نوں بچان تے زور اے ایہ آرٹ ۱۱۱۱۱ م پ توں لے کے تہجی صدی تک تے اچھے دوسرے تے تیسرے نیو ویلے وچ بنیا ۱۱۱۱۱ ورے دے لمے ویلے وچ ایدا تے باہر دا کوئی اثر ناں پیا تے جس ودیا ول نال ایہ نریا تے بنایا گیا انت تک انج دا ای ریا ایس ویلے دا منیا آرٹسٹ پیبلو پکاسو مصری آرٹ توں اثر لیندا اے مصر اک سکا دیس ہون باجوں اینجے بنیاں مورتاں ٹھیک ملیاں نیں مصر دیاں بتیاں وچوں سب توں چوکھیاں جانیان جان والیاں رامسیس اخناتون نیفریتیٹی اوسکورن امہونپ منکار تے تننخامون نیں مصری پانڈے پتھر توں لے کے مٹی نال بندے سس تے کالے یا رنگلے نقش بنے ہوندے سس اینہاں وچ عام کر وچ ورث دے پانڈے مرتباں کرے نیں مصری مندراں ۱۱۱۱۱ محلان ۱۱۱۱۱ برماں ۱۱۱۱۱ قبران ۱۱۱۱۱ تے بور کونھیاں نوں بنان وچ ات لائم پتھر ریتلا پتھر تے گرینائٹ ورثے گئے لکڑ تھوڑی ہون باجوں ایدا ورث تھوڑا اے خوفو دا ابرام ابوالہول کرناک لکسر ادفو دے مندر ایدے وڈے ادھارن نیں مصری لکھتاں تے مورتاں بنان لئی پیپٹرس ورتدے سس ایہ اک ہونے توں بنایا جاندا سی ایدیاں نشانیاں مصر دے سکے موسم وچ رہ گیا بور کلاسیکی دنیا وچ وی ایدا ورث سی پر پر کتے بور ناں رہیاں

پرانا یونان پرانا یونانی آرٹ بتیاں آرکینیکچر پانڈے تے مورتاں وچ دسد اے تے ایس نے یورپ تے ایشیاء وچ پاکستان تک اپنے رنگ چھڈے نیں یونانی پانڈے وکھریاں ویلیاں وچ وکھریاں ولان تے نمونیاں وچ بندے سس پانڈے جنان وچ مرتباں تے پلہیاں تے عام زندگی دیاں مورتاں بنیاں ہوندیاں سس یونانی آرکینیکچر اپنی شان سادگی تے سوہنپ وچ اپنی ادھارن آپ اے پرگاموں ہارتھین ہیفٹس دا مندر ویکھن والیاں تھانواں نیں مائلو دی ویشی سیموٹھریس دی ٹائیگے یونانی بتیاں دیاں ودیا ادھارن نیں

دکھنی ایشیاء دکھنی ایشاء وچ آرٹ دی ریت بڑپہ ریتل توں نردی ہوئی اج دے ویلے تک اپڑی اے پانڈے بتیاں آرکینیکچر مورتاں تے ایہ آرٹ ویکھیا جاسکدا اے مہنچوڈازو دی نچدی کڑی پنڈت بادشاہ مہراں جنہاں تے ہاتھی بلد تے سواسٹیکا بنے ہونے سس تے مٹی دے وڈے مرتباں تے پانڈیاں تے مورتاں اوس ویلے دے آرٹ دا وکھالہ نیں بت بنانا ہندو جین تے بدھ مت دی ریت رتی اے اجنتا دے غار پرانی ہندستانی بتی دی اک ودیا تھان اے ہندو بزاراں وریاں توں اپنے دیوی دیوتاواں وشنو شیوا لکشمی گنیش بنومان اندرا رام تے سروسوتی دیاں مورتاں تے بتیاں بنا کے مندراں تے کراں وچ رکھدے آئے نیں اتلے پنجاب وچ گندھارہ بدھ مت دے ارکینیکچر دی وڈی تھان سی ایہ بتیاں بدھ تے اودے جیون دے دوالے نیں تے ویلے نال اینہاں دے بنان وچ تبدیلیاں آئیاں تے یونانی رنگ وی دسد اے مغل راج ویلے ایرانی رنگ موراں وچ دسد اے مغل راج ویلے دیاں مورتاں مغل بادشاہواں تے اوبان دے جیون دے دوالے ای بنیاں نیں کانگڑہ راجپوت تے پنجاب مورتاں بنان دے مغلان مگروں وکھرے سکول سس مورتاں دے ول نوں انگریزاں نے آکے اپنا رنگ وی چاڑیا قطب مینار قطبیدین ایکب دی جت تے دلی وچ بنایا گیا اک مینار اے ارکینیکچر وچ پرانے قلعیاں مندراں دے مگروں مغل ویلے وچ مغل آرکینیکچر ہندستان دی پہچان بندا اے تاج محل بادشاہی مسجد شالامار باغ شاہی قلعہ مغل آرکینیکچر دے کج نشان نیں

اسلامی خطاطی اسلامی خطاطی ۱۱۱۱۱ یہ ایک فن ہے جو لکھنے سے تعلق رکھتا ہے بالخصوص عربی حروف خوبصورت انداز میں لکھنے کا فن ۱۱۱۱۱ اس فن کو اسلام سے جوڑ دیا گیا اس کی وجہ عربی زبان میں یہ فن مقبول ہونا ہے اسلامی سماج میں قرآن کی اہمیت اور اس کی تحریر اور تحفظ اس فن کو فروغ ہونے میں کامیابی ملی ۱۱۱۱۱ یہ فن عربی زبان ہی میں نہیں بلکہ فارسی ترکی اردو آذری زبانوں میں بھی عام ہے

خطاطی بحیثیت اسلامی فن کافی سراہی گئی مذہب اسلام کے ماننے والے دنیا کے مختلف ممالک میں ہیں اور مختلف زبانیں بولتے ہیں یہ فن مسلمانوں کی مختلف زبانوں کو جوڑنے کا کام کیا ہے عربی فارسی اردو سندھی آذیری ترکی وغیرہ زبانوں میں بھی یہ فن مقبول ہوا قرآن کی کتابت میں یہ فن بہت ہی کارآمد رہا چھاپہ مشین ایجاد ہونے سے پہلے کاتب حضرات ہی ان زبانوں میں کتابت اور اشاعتوں کا بیڑا اٹھایا عثمانیہ دور میں ۱۱۱۱۱ دیوانی ۱۱۱۱۱ خط عروج میں آیا دیوانی خط کا ایک روپ ۱۱۱۱۱ جلی دیوانی ۱۱۱۱۱ یا ۱۱۱۱۱ دیوانی ۱۱۱۱۱ ہے رفتہ رفتہ ۱۱۱۱۱ رفع ۱۱۱۱۱ خط کا ارتقاء ہوا اشیاء خطاطی ۱۱۱۱۱ ترمیم ۱۱۱۱۱ رواجی طور پر خطاطی کے لیے قلم دوات اور رنگ اہم ہیں ۱۱۱۱۱ قلم ۱۱۱۱۱ خطاطی کے لیے مخصوص قلم بنائے جاتے ہیں ۱۱۱۱۱ پرو ۱۱۱۱۱ یا ۱۱۱۱۱ بانس ۱۱۱۱۱ یا ۱۱۱۱۱ ہیمو ۱۱۱۱۱ کے قلم مشہور ہیں قلم کی نوک حروف کی چوڑائی کے مطابق بنائے جاتے ہیں حروف جتنے چوڑے قلم کی نوک اتنی چوڑی ۱۱۱۱۱ دوات ۱۱۱۱۱ دوات شنی اور ہمہ قسم کے رنگ بھی استعمال ہوتے ہیں خطاطی سکھانے کے کئی مراکز بھی ہیں شہر حیدرآباد دکن میں اردو اکیڈمی انجمن ترقی اردو عابد علی خان ٹرسٹ آج بھی خطاطی میں ٹریننگ دے رہے ہیں

مساجد اور خطاطی ۱۱۱۱۱ ترمیم ۱۱۱۱۱ اسلامی ۱۱۱۱۱ مسجد خطاطی ۱۱۱۱۱ یہ بھی اسی فن کا ایک جز ہے مسجدوں کی میناروں کی تعمیرات میں اس فن کو دیکھا جاسکتا ہے مساجد میں قرآنی آیات میناروں پر گنبدوں پر اندرون گنبد پر قرآنی کلمات کا لکھا جانا فن تعمیر فن خطاطی کا ایک مرکب ہے

عبارت بسم الله الرحمن الرحيم اور الله محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم مساجد میں لکھنا ایک عام رسم ہے ان کے علاوہ قرآنی آیات کا لکھا جانا بھی عام ہے

عربی زبان عربی ۱۱۱۱۱ العربیہ ۱۱۱۱۱ یا عربی ۱۱۱۱۱ لغة عربية ۱۱۱۱۱ سامی زبانوں میں سب سے بڑی ہے اور عبرانی اور آرامی زبانوں سے بہت ملتی ہے جدید عربی کلاسیکی عربی زبان ۱۱۱۱۱ فصیح عربی یا اللغة العربیة الفصحی ۱۱۱۱۱ کی تھوڑی سی بدلی ہوئی شکل ہے فصیح عربی قدیم زمانے سے ہی بہت ترقی یافتہ شکل میں تھی اور قرآن کی زبان ہونے کی وجہ سے زندہ ہے فصیح عربی اور بولے جانے

والی عربی میں بہت فرق نہیں بلکہ ایسے ہی ہے جیسے بولے جانے والی اردو اور ادبی اردو میں فرق ہے۔ عربی زبان نے اسلام کی ترقی کی وجہ سے مسلمانوں کی دوسری زبانوں مثلاً اردو، فارسی، ترکی وغیرہ پر بڑا اثر ڈالا ہے اور ان زبانوں میں عربی کے بے شمار الفاظ موجود ہیں۔ عربی کو مسلمانوں کی مذہبی زبان کی حیثیت حاصل ہے اور تمام دنیا کے مسلمان قرآن پڑھنے کی وجہ سے عربی حروف اور الفاظ سے مانوس ہیں۔ عربی کے کئی لہجے آج کل پائے جاتے ہیں مثلاً مصری، شامی، عراقی، حجازی وغیرہ مگر تمام لہجے میں بولنے والے ایک دوسرے کی بات بخوبی سمجھ سکتے ہیں اور لہجے کے علاوہ فرق نسبتاً معمولی ہے۔ یہ دائیں سے بائیں لکھی جاتی ہے اور اس میں ہمزہ سمیت ۲۸ حروف تہجی ہیں جنہیں حروف ابجد کہا جاتا ہے۔

حروف تہجی حروف تہجی سے مراد وہ علامتیں ہیں جنہیں لکھنے کے لیے استعمال کیا جاتا ہے۔ اکثر زبانوں میں یہ مختلف آوازوں کی علامات ہیں مگر کچھ زبانوں میں یہ مختلف تصاویر کی صورت میں بھی استعمال کیے جاتے ہیں۔ بعض ماہرین لسانیات کے خیال میں سب سے پہلے سامی النسل یا فنیقی لوگوں نے حروف کو استعمال کیا۔ بعد میں عربی کی شکل میں حروف نے وہ شکل پائی جو اردو میں استعمال ہوتے ہیں۔ بعض ماہرین ان کی ابتداء کو قدیم مصر سے جوڑتے ہیں۔ اردو میں جو حروف استعمال ہوتے ہیں وہ عربی سے لیے گئے ہیں۔ جنہیں حروف ابجد بھی کہا جاتا ہے۔ ان کی پرانی عربی ترتیب کچھ یوں ہے: ابجد ہوز حطی کلمن سعفس قرشت ثخذ ضطغ انہیں حروف ابجد بھی کہتے ہیں۔ علم جفر میں ان کے ساتھ کچھ اعداد کو بھی منسلک کیا جاتا ہے جو کچھ یوں ہیں:

اس طریقہ سے اگر بسم اللہ الرحمن الرحیم کے اعداد شمار کیے جائیں تو ۱۱۱ بنتے ہیں۔ بعض اہل علم ہمزہ ۱۱۱ کو بھی ایک الگ حرف مانتے ہیں۔ اس حساب سے پھر عربی کے انتیس حروف تہجی بنتے ہیں۔ اردو زبان میں عربی کے ان حروف کے علاوہ مزید حروف استعمال ہوتے ہیں۔ اردو میں ہمزہ سمیت کل ۲۸ حروف ہیں۔ اس کے علاوہ کچھ آوازیں حروف کے مجموعے سے بھی ظاہر کی جاتی ہیں مثلاً کہ، بھ وغیرہ۔ اردو میں فن تاریخ گوئی کی صنف موجود ہے جس میں اشعار یا ایک مصرع سے کسی واقعہ کی تاریخ برآمد کی جاتی ہے۔ اردو میں حروف کے اعداد حروف ابجد جیسے ہی ہیں۔ اضافی حروف کے لیے بھی انہی سے مدد لی جاتی ہے۔ مثلاً ۱۱۱ پ کے اعداد، ۱۱۱ ب کے برابر، ۱۱۱ د کے اعداد، ۱۱۱ د کے برابر، ۱۱۱ گ کے اعداد، ۱۱۱ گ کے برابر اور ۱۱۱ ے کے اعداد، ۱۱۱ ی کے برابر شمار کیے جاتے ہیں۔